

پرتوی از قرآن

جلد اول

تفسیر آیات سورۂ حمد و سورۂ بقره

سید محمود طالقانی

سرشناسه	: طالقانی، سید محمود، ۱۳۸۹-۱۳۵۸.
عنوان و نام پدیدآور	: پرتوی از قرآن / محمود طالقانی.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران: شهرداری تهران (معاونت امور اجتماعی و فرهنگی)، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ج. ۳.
شابک	: ج. ۱: 978-964-2834-37-2؛ ج. ۲: 978-964-2834-35-8؛ ج. ۳: 978-964-2834-37-2
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
مندرجات	: ج. ۱. تفسیر آیات سوره حمد و سوره بقره. — ج. ۲. تفسیر آیات سوره‌های آل عمران و نساء. — ج. ۳. تفسیر آیات سوره‌های جزء سی‌ام.
موضوع	: تفاسیر شیعه — قرن ۱۴
شناسه افزوده	: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
شناسه افزوده	: شهرداری تهران
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ پ ۱۲/ب۹۸۸ BP
رده‌بندی دیوینی	: ۲۸۷/۱۷۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۶۴۴۹۱۹



معاونت امور اجتماعی و فرهنگی



مؤسسه مطالعات

تاریخ معاصر ایران

نام کتاب: پرتوی از قرآن جلد ۱

نویسنده: آیت الله سید محمود طالقانی

ناشر: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و شهرداری تهران (معاونت امور اجتماعی و فرهنگی)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

تهران، خیابان ولی عصر، خیابان شهید فیاضی (فرشته)، نیش چناران، شماره ۱۵

صندوق پستی: ۱۹۳۵/۱۹۷۵ تلفن: ۲۲۰۰۳۴۶۹ دورنگار: ۲۲۶۰۲۰۹۶

نشانی وب: <http://www.iihs.org> پست الکترونیکی: info@iihs.org

چاپ: مرکز چاپ نشر شهر

تعداد: ۵۰۰۰

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

چاپ اول ۱۳۸۹

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۳۴-۳۵-۸

کلیه حقوق این اثر متعلق است به ناشر می‌باشد

فهرست

صفحه xxv

مقدمه ناشر

صفحه xxiiiix

پیشگفتار

تحویلی که قرآن در هر جهت پدید آورد؛ لزوم هدایت؛ هدایت قرآن.
خلاصه‌ای از حفظ و جمع و ترکیب و تدوین قرآن؛ روشهای مفسرین؛ محدود شدن هدایت
وسیع قرآن؛ لزوم تمسک به هدایت همه جانبه قرآن.
چگونه می‌توان در معرض هدایت قرآن قرار گرفت؟ روش این کتاب؛ نظری به بعضی احادیث
راجع به قرآن.

صفحه lvii

مقدمه

صفحه ۱

سوره حمد

بسم الله ... صفت رحمت؛ حمد؛ مالک روز جزاء؛ حصر عبادت و امتعانت؛ صراط مستقیم؛
نعمت یافته‌گان؛ خشم‌آوران؛ گمراهان.

سوره بقره

صفحه ۲۳

آیه ۱ تا ۵

حروف اوائل؛ تعریف و امتیاز قرآن؛ نفی‌ریب؛ حقیقت تقوا؛ ایمان به غیب؛ اقامه صلو؛ ایتاء
زکات؛ ایمان به آنچه نازل شده؛ یقین به آخرت؛ رستگاری نهائی.

صفحه ۴۰

آیه ۶ تا ۷

کفر و ایمان از نظر قرآن؛ کفر اختیاری؛ انذار؛ خشم؛ غشاوه؛ قلب؛ امتیازات ناشی از وحی.

آیه ۱۲ تا ۱۴ صفحه ۴۶

حقیقت نفاق؛ فریبکاری؛ بیماری قلبی و افزایش آن؛ عذاب دردناک؛ مفسدین در زمین.

آیه ۱۳ تا ۱۶ صفحه ۵۳

روش فریبکارانه منافقین و نظر آنها به مؤمنین؛ گفتار میان خودشان؛ استهزاء آنها و استهزاء خدا به آنها و پایان کارشان.

آیه ۱۷ تا ۲۰ صفحه ۵۷

دو مثل برای نمایاندن احوال و اوصاف خطرناک و تحیرانگیز منافق.

آیه ۲۱ تا ۲۲ صفحه ۶۱

خطاب عام قرآن برای توحید در عبادت و منشأ تقوا؛ ربوبیتی که مبدأ آفرینش زمین و آسمان و انزال باران و اجزای ثمرات برای همه است؛ دیگر برای او نباید شریک گرفت.

آیه ۲۳ و ۲۴ صفحه ۶۶

تحدی قرآن و سرعجاز آن؛ منشأ درگیری دوزخ؛ انسان و سنگ!

آیه ۲۵ صفحه ۷۳

بشارت به مؤمنین شایسته کار؛ سرچشمه نعمتهای بی پایان بهشت؛ روزی شناخته شده؛ متشابه؛ ازواج مطهره؛ خلود.

آیه ۲۶ و ۲۷ صفحه ۷۷

خداوند مثل می زند؛ مؤمن با مثل خدا به حق می رسد و توبه می یابد؛ کافر در تحیر می ماند؛ فاسق گمراه می شود؛ فاسق کسی است که نقض عهد و قطع وصل و فساد در زمین می کند و زیانکار است.

آیه ۲۸ و ۲۹ صفحه ۸۲

چگونه انسان به خدا کافر می شود با آنکه خود نمودار بارز حیات است؛ همان قدرتی که او را به سوی مسیر نهائی پیش می برد؛ پس از اكمال خلقت استیلا به آسمان؛ تسویه هفت آسمان!

آیه ۳۰ تا ۳۳ صفحه ۸۹

جعل خلیفه؛ گفتگوی با فرشتگان و اعجاب آنان؛ تعلیم اسماء و عرضه به فرشتگان؛ انباء آدم و اسماء؛ ناتوانی فرشتگان و محدودیت علم آنها.

صفحه ۹۸

آیه ۳۳ و ۳۴

انباء آدم به اسماء فرشتگان؛ تنبیه به احاطه علمی خداوند؛ امر به فرشتگان برای سجده به آدم؛ سجده آنها و سرپیچی ابلیس

صفحه ۱۰۲

آیه ۳۵ و ۳۶

سکونت آدم و همسرش در بهشت امن و آسایش؛ نهی از نزدیکی به شجره؛ شیطان آن دو را لغزاند و از جایگاهی که داشتند بیرونشان راند؛ فرمان هبوط در محیط دشمنی؛ قرار جوئی و بهره‌گیری در زمین.

صفحه ۱۰۹

آیه ۳۷ و ۳۹

تلقی کلمات و توبه آدم؛ هبوط جمعی و وعده رسیدن هادیان؛ عاقبت پیروی از هادیان و نتیجه کفر به آیات.

صفحه ۱۱۵

آیه ۴۰ و ۴۳

اولین خطاب به بنی اسرائیل؛ ذکر نعمت؛ وفای به عهد؛ تنها هراس از خدا؛ ایمان به آنچه نازل شده؛ نبودن از نخستین کافران؛ آیات خدا را در معرض فروش نهادن؛ همان از خدا پروا گرفتن؛ حق را به لباس باطل نهوشاندن؛ اقامه صلاه؛ ایتاء زکات؛ رکوع با راکعین.

صفحه ۱۲۰

آیه ۴۴ و ۴۶

نگوشت بر امر به خیر و فراموشی خود؛ یاری جوئی به وسیله صبر و صلاه؛ آن جز بر خاشعان پس گران است؛ خاشعان کسانی‌اند که ملاقات رب و رجوع به سوی او را باور دارند.

صفحه ۱۲۵

آیه ۴۷ و ۴۸

خطاب دیگر به بنی اسرائیل تا نعمت مخصوص خداوند را که به آن برتری یافتند به یاد آرند؛ از روزی که همه روابط و وسائل منقطع می‌شود بیاندیشند؛ حقیقت شفاعت.

صفحه ۱۲۹

آیه ۴۹ تا ۵۲

نجات از آل فرعون؛ شکنجه‌ها؛ شکافته شدن دریا؛ نجات بنی اسرائیل؛ غرق فرعونیان؛ مواعده با موسی؛ اتخاذ گوساله؛ عفو عمومی.

صفحه ۱۳۵

آیه ۵۳ تا ۵۶

به موسی برای هدایت کتاب و فرقان داده شد؛ پس از اتخاذ گوساله موسی به قوم خود گفت:

باید توبه کنید و خود را بکشید؛ پس توبه آنها را پذیرفت؛ بنی اسرائیل درخواست کردند تا خدا را آشکارا بنگرند؛ پس صاعقه آنها را گرفت؛ پس از آن برانگیخته شدند.

آیه ۵۷ تا ۵۹

صفحه ۱۴۱

سایبانی ابر؛ نزول من و سلوی؛ محیط فطری؛ فرمان ورود به قریه و دخول به درب خاص و در حال سجده و گفتن حطه؛ تبدیل قول و عاقبت نافرمانی.

آیه ۶۰ تا ۶۱

صفحه ۱۴۷

استسقاء موسی؛ ضرب عصا؛ انفجار چشمه‌های دوازده گانه؛ امر به آسایش و نهی از افساد در زمین؛ درخواست تنوع؛ تبدیل وضع؛ هبوط به شهر؛ لزوم ذلت و مسکنت؛ برگشت به عذاب؛ کفر به آیات؛ قتل پیمبران؛ سرکشی و تجاوز.

آیه ۶۲ تا ۶۶

صفحه ۱۵۶

آنها که به خدا و آخرت ایمان آرند و عمل صالح انجام دهند نزد پروردگار پاداشی دارند و خوف و حزن ندارند؛ اخذ میثاق؛ رفع طور؛ محکم گرفتن دستور؛ اعراض و عاقبت آن؛ تجدید فضل و رحمت؛ اعتداء در روز شنبه؛ فرمان مسح؛ عبرت و پند برای دیگران.

آیه ۶۷ تا ۷۱

صفحه ۱۶۷

فرمان کشتن گاو؛ نافرمانی و بهانه‌جویی یهود؛ نشانه‌های گاو و کشتن آن.

آیه ۷۲ تا ۷۵

صفحه ۱۷۳

اختلاف درباره قتل؛ دستور زدن به بعض گاو؛ طریق احیاء و ارائه آیات؛ پس از این آیات دل‌های آنان سخت شد؛ چون سنگ؛ از سنگ هم سخت‌تر زیرا از سنگ نهرها می‌جوشد؛ سنگ شکافته می‌شود و از آن آب بیرون می‌ریزد؛ سنگ از ترس خدا فرو می‌ریزد؛ آیات با این همه سوابق می‌توان به ایمان آنها چشم داشت؛ با آنکه کلام خدا را پس از شنیدن و تعقل تحریف می‌کردند.

آیه ۷۶ تا ۸۲

صفحه ۱۸۳

دورویی و سرزنش آنها به یکدیگر درباره ابراز اسرار مکتوم؛ نادانان آنها جز آرزوهای بی‌پایه از آئین چیزی نمی‌دانند و در گمان به سر می‌برند؛ دانایان با دست خود آئین می‌نگارند و آن را به خدا منسوب می‌دارند تا بهره اندکی به دست آرند؛ ای وای از آنچه به دست می‌نگارند؛ ای وای از آنچه به دست می‌آورند؛ و گویند جز چند روزی آتش دوزخ به ما نمی‌رسد؛ آیا عهده‌ای از خدا گرفته‌اند؟ یا نیاندیشیده سخن می‌گویند؛ حقیقت این است که هر کس گناهکاری کند و آثارش وی را فرا گیرد همراه آتش می‌باشد و در آن جاودان است؛ و آنها که ایمان و عمل صالح دارند

همراه بهشتند و در آن جاودانند.

آیه ۸۳ تا ۸۶

صفحه ۱۹۱

اخذ میثاق بر توحید در عبادت؛ احسان به والدین و خویشان و یتیمان و درماندگان؛ گفتار نیک؛ اقامه صلا و ایفاء زکات؛ بیشتر آنها از این میثاق روی گردانند؛ اخذ میثاق بر اینکه خون خود را نریزند و نفوس خود را نرانند؛ اقرار و گواهی بر این عهد سپس نقض آن؛ احساس به تجزیه پیکر اجتماعی؛ تبعیض در ایمان؛ خواری در دنیا؛ سخت‌ترین عذاب آخرت؛ خریداری زندگی پست؛ درماندگی در عذاب.

آیه ۸۷ تا ۹۲

صفحه ۲۰۱

به موسی کتاب داده شد؛ پیمبرانی در پی او آمدند؛ به عیسی بیتات داده شد و به روح القدس تأیید گردید؛ چون آورده‌های هر پیمبری با هواهای آنها سازگار نبود؛ سرکشی کردند و گروهی را تکذیب کردند و گروهی را کشتند؛ به عذر اینکه دل‌های آنان بسته (غلف) است یا آنکه به سبب کفرشان خداوند آنها را دور رانده؛ به کتابی کافر شدند که تصدیق کننده کتابهای آنها می‌باشد و در انتظارش بودند و آنها می‌شناختند، از این رو لعنت بر این کافران است؛ اینها به پست‌ترین بهاء سرمایه نفوس خود را فروختند و حسد ورزیدند، چون وحی و فضل خدا را منحصر به خود پنداشتند؛ و به خشمی بالای خشمی گرفتار شدند؛ گویند به آنچه به ما نازل شده ایمان می‌آوریم؛ و به جز آن کافر می‌شوند گر چه حق باشد و مصدق نبوت آنها؛ پس چرا پیمبران خدا را پیش از این می‌کشتند؛ با این آیات؛ پس از موسی گوساله را گرفتند!

آیه ۹۳ تا ۱۰۰

صفحه ۲۱۲

اخذ میثاق؛ رفع طور؛ با همه قدرت آنچه داده شده نگهدارید! گفتند شعیبیم و عصیان کردند؛ علاقه به گوساله قلوبشان را آکنده نموده؛ سرای آخرت را یکسر برای خود می‌دانند با آنکه از مرگ گریزانند و حریص‌ترین به هر گونه زندگی می‌باشند؛ دشمنی با این وحی مصدق در هدایت و مبشر دشمنی با مبدء «جبرئیل» است و دشمنی با فرشتگان دشمنی با خدا است؛ این فاسقانند که به آیات خدا کافر می‌شوند و هر عهدی را دور می‌اندازند.

آیه ۱۰۱ تا ۱۰۳

صفحه ۲۱۹

با انتظاری که اهل کتاب داشتند همین که رسول خدا و تصدیق کننده اسرار انبیاء آمد گروهی از آنها کتاب خدا را پشت سرافکنند؛ و از آنچه شیاطین به ملک سلیمان می‌بستند پیروی کردند؛ سلیمان کافر نشده بود این شیاطین بودند که کافر شدند و به مردم سحر و آنچه بر دو فرشته بابل نازل شده بود؛ می‌آموختند؛ این دو فرشته به کسی چیزی نمی‌آموختند مگر آنکه

خود می گفتند که ما فتنه‌ایم پس کافر نگردید! آن مردم از آنها چیزهائی فرا می گرفتند که میان زن و شوهر جدائی می افکندند؛ با آنکه جز به اذن خدا زیان نمی رسانند؛ آنها چیزهائی می آموختند که زیان می رساند و سودی در بر نداشت؛ و خود دریافته بودند که هر کس خریدار این اوهام باشد بهره برتری ندارد و در واقع نفوس و نفسیات خود را فروخته است؛ اگر به جای اینها ایمان آرند و پروا گیرند بهره خدائی آنها برتر است؛ اگر اندیشمند بودند؟!

آیه ۱۰۴ تا ۱۰۹

صفحه ۲۳۵

مؤمنین به حق نباید «راعتا» گویند؛ باید «انظرنا» گویند و بشنوند و گر نه کافر می شوند و عذاب دردناک در پیش دارند؛ اهل کتاب و مشرکین دوست ندارند که خیری به مؤمنان رسد با آنکه رحمت و فضل خداوند شامل کسانی می شود که مشمول مشیت خاص او گردند؛ هر آیه‌ای که نسخ یا فراموشی شود آیه بهتر یا ماندنش به جای آن می آید؛ چون خداوند تواناست و ملک آسمانها و زمین از آن او و ولایت و نصرت از او می باشد؛ نباید شما از رسول خدا پرسش کنید آن سان که از موسی پرسش می شد؛ این موجب تبدیل ایمان به کفر و انحراف از راه راست است؛ اهل کتاب به هر وسیله می خواهند شما ناآگاه سر از کفر در آرید؛ این کار آنها از روی حسد است نه جهل؛ چه حق برای آنها آشکار شده؛ شما باید درگذرید و چشم بپوشید تا خداوند توانا فرمان خود را بیاورد.

آیه ۱۱۰ تا ۱۱۵

صفحه ۲۵۰

امر به اقامه صلاه و ایتاء زکات؛ هیچ خیری پیش خدا از میان نمی رود؛ یهود و نصارا با آرزوهای بی پایه و بی برهانی که دارند بهشت را مخصوص خود می بیندند؛ با آنکه هر کس یکسره به خدا روی آورد و تسلیم او شود و احسان نماید پاداش خود را دارد و نگرانی ندارد؛ یهود نصارا را نفی می نماید و نصارا یهود را؛ با آنکه هر دو گروه کتاب می خوانند. و همچنین است اندیشه نادانان؛ خداوند است که در روز قیامت این گونه اختلافات را فیصل می دهند؛ ظالم ترین مردم کسانی هستند که راه مسجدها را می بندند تا نام خدا در آنها به خاطرها و زبانها نیاید؛ و به ویرانی آنها کوشند؛ سزای آنها همین است که هراسناک به مساجد در آیند؛ اینها در دنیا بزبون و در سرای دیگر دچار عذاب سخت‌اند؛ مشرق و مغرب از آن خداوند است؛ به هر جا روی آورده شود همانجا روی خدا است.

آیه ۱۱۶ تا ۱۲۱

صفحه ۲۵۹

گویند خداوند فرزندی گرفته؛ با آنکه هر چه در آسمانها و زمین هست از آن او است و همه در برابرش فروتن و فرمانبرند؛ همان پدید آورنده بی مانند آسمانها و زمین؛ فرمانش بی درنگ انجام

می‌شود؛ نادانها گویند: چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید یا آیه‌ای برای ما نمی‌آورد؟ این گفتار گذشتگان است؛ آیات برای اهل یقین به خوبی روشن شده است؛ این پیمبر به حق و برای بشارت و انذار فرستاده شده و مسؤول دوزخیان نیست؛ یهود و نصارا از او راضی نمی‌شوند مگر آنکه پیروی از هواهای آنها نمایند؛ و اگر از هواهای آنها پیروی نمایند از جانب خدا نگرهانی و یاری نخواهد داشت؛ کسانی که دارای کتابند و آن را به راستی تلاوت می‌نمایند؛ به آن ایمان می‌آورند و زیان برای کافران می‌ماند

صفحة ۲۶۶

آیه ۱۲۲ تا ۱۲۵

سومین خطاب به بنی‌اسرائیل و تذکر سبب برتری آنان؛ آنها باید نگران روزی باشند که همه نسبتها و روابط معمول قطع می‌شود؛ ابتلاء ابراهیم به کلمات و اتمام آن؛ رسیدن او به مقام امامت؛ ناشایستگی حکمرانان از رسیدن به این مقام؛ آن خانه مرجع رفت و آمد و محل گردید؛ و باید توجه نمازگزاران به آن سو شود و از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز گیرند؛ خداوند با ابراهیم عهد بست تا خانه را از هر جهت برای گروه طواف کننده و بست نشینان و رکوع کنندگان قرون و سجده کننده؛ پاک گرداند.

صفحة ۲۸۳

آیه ۱۲۶ تا ۱۲۹

ابراهیم درخواست نمود تا این سرزمین محل امن گردد و اهل آن از بهره‌ها روزی یابند؛ مؤمنان بهره‌شان از روزی کامل است و کافران اندک بهره‌ای دارند و ناچار مسیر دوزخ را پیش گیرند؛ ابراهیم پایه‌های خانه را به همراهی اسماعیل بالا می‌آورد و از خداوند پذیرش کوشش خود را می‌طلبیدند؛ و می‌خواستند که هر دو یکسره مسلم شوند و از ذریه آنها امت مسلمی پدید آید؛ و می‌خواستند تا خداوند مناسک و آداب را به آنها بنمایاند و توبه آنها را بپذیرد؛ و در میان ذریه آنها رسولی برانگیزد تا آیات خداوند را تلاوت کند و به آنها کتاب و حکمت را بیاموزد و تزکیه‌شان نماید.

صفحة ۲۹۴

آیه ۱۳۰ تا ۱۳۴

جز فرومایه‌گان از ملت ابراهیم روی نمی‌گردانند؛ خداوند ابراهیم را در دنیا برگزید و در آخرت از شایستگان است؛ از این رو که چون فرمان اسلام را از پروردگار شنید گفت تسلیم می‌شوم؛ ابراهیم و یعقوب فرزندان خود را به همین اسلام وصیت کردند تا جز به اسلام نمریند؛ یعقوب هنگام احتضار فرزندان خود را به توحید در عبادت و تسلیم به مشیت خداوند می‌خواند؛ این امته‌ها در گذشتند و هر امتی مسؤول عمل و روش کار خود می‌باشد.

آیه ۱۳۵ تا ۱۳۸

صفحه ۲۹۹

با این وصیتها یهود و نصارا گویند: باید یهودی یا نصرانی شد تا هدایت یافت؛ با آنکه هدایت در همان راه و روش ابراهیم بود که یکسره به خدا روی آورد و شرک نیاورد؛ شما مسلمانان اعلام نمائید که ما به آنچه به خودمان و پیمبران گذشته نازل شده ایمان داریم و میان رسولان پروردگار جدائی نمی‌افکنیم و تسلیم هستیم؛ اگر اینگونه ایمان آوردند هدایت یافته‌اند و گرنه اندیشه اختلاف و تفرقه در سر دارند و خداوند به حسابشان می‌رسد؛ ایمان به همه پیمبران به حق و تسلیم به اراده خداوند؛ همان رنگ خدائی است و بهتر از رنگ خدائی نیست؛ رنگهای دیگر رنگ خودخواهی و تزویر و اختلاف است.

آیه ۱۳۹ تا ۱۴۱

صفحه ۳۰۳

اینها راجع به خدا احتجاج می‌نمایند با آنکه او پروردگار همه است و هر کس نتیجه اعمال خود را می‌برد و اخلاص ما برای او می‌باشد؛ مگر پیمبران گذشته یهودی یا نصرانی بودند؟ مگر شما داناتر از خدا می‌باشید؟ کیست ظالم‌تر از کسانی که کتمان شهادت می‌کنند و خداوند از آنها غافل نیست.

آیه ۱۴۲ تا ۱۴۳

صفحه ۳۰۶

فروما یگان درباره تغییر قبله اعتراض می‌نمایند و سبب آن را می‌پرسند؛ تو بگو مشرق و مغرب از آن خداوند است و هر کس را بر طبق مشیت خود به راه راست هدایت می‌نماید؛ از طریق همین تغییر و تحول است که شما امت وسط گردیدید تا شهداء خلق باشید و رسول شهید بر شما باشد؛ این دگرگونی قبله برای این بود که فرمانبران پیشرو و پیرو رسول از مرتجعین به عقب؛ معلوم و ممتاز گردند؛ این فرمان جز بر هدایت یافته‌گان بسی دشوار و سنگین است؛ با اینگونه امتحانات ایمان پایه می‌گیرد و ثبات می‌یابد و ضایع نمی‌شود؛ این هم از لطف و رحمت خداوند است.

آیه ۱۴۴ تا ۱۵۰

صفحه ۳۱۰

بی‌تابی و انتظار رسول خدا برای تغییر قبله؛ فرمان به روی آوردن سوی مسجدالحرام و گسترش این قبله به همه جا و در هر حال؛ اهل کتاب این قبله را حق می‌دانند و به قبله خود تعصب می‌ورزند، با علم به این حقیقت، نباید از هواهای آنان پیروی شود؛ اهل کتاب او را با همه اوصافش می‌شناسند و فرقه‌ای کتمان می‌کنند؛ هر ملت و گروهی را جهتی است که به اراده خدا به آنسوی می‌گردند؛ پس در مسابقه برای خیر همه کوشا باشید؛ در هر وضعی که باشید به سوی مسجدالحرام روی آرید تا هیچ احتجاجی بر شما نباشد و برای آنکه نعمت تکمیل شود.

آیه ۱۵۱ تا ۱۵۸

صفحه ۳۲۳

تکمیل قبله و جهت گیری به سوی آن ملازم تکمیل نبوتی است که مبعوث شده تا بر شما همی آیات او را بخواند و شما را تزکیه کند و تعلیم دهد آنچه را خود نمی دانستید پس باید این نعمت را سپاس گذارید و به یاد خدا باشید تا نعمتش کامل تر گردد؛ در این جهت گیری و جبهه بندی باید از صبر و صلوة نیرو بگیرید و کلمه مرگ را درباره شهداء به زبان نیاورید و آنها را زنده شکوهمند بدانید؛ باید با ترس و گرسنگی و کم و کاست مال و جان، آزمایش شوید تا بردباران پایدار، با چهره بشارت یابشان نمودار شوند. همانها که هنگام برخورد مصائب هشیارانه خود را برای خدا و به سوی خدا می نگرند، اینها مشمول درودها و رحمت پروردگار و هدایت یافتگانند صفا و مروه از شعائر الهی است پس آنکه به حج یا عمره روی می آورد در آن طواف کند و هر چه بیشتر خود را برای انجام خیر و پذیرش آماده نماید.

آیه ۱۵۹ تا ۱۶۴

صفحه ۳۳۳

آنها که بینات نازل شده و هدایت را کتمان کنند رانده خدا و خلقند و اگر توبه و اصلاح و بیان کنند خدا از آنها می گذرد و اگر به حال کفر مردند برای همیشه رانده خدا و فرشتگان و مردم می شوند و عذابشان سبک نمی شود؛ خداوند شما، یک و یگانه است، همان که سرچشمه رحمت می باشد؛ آفرینش آسمان و زمین و اختلاف شب و روز و بارانی را که می باراند تا زمین را زنده گرداند و پدیده های زنده ای که پراکنده نموده و بادهائی که به هر سو می گرداند و ابرهای مسخر شده در فضا - اینها با پیوستگی و نظامی که دارند همه آیات توحیداند.

آیه ۱۶۵ تا ۱۷۱

صفحه ۳۴۲

برخی مردم کوتاه اندیش برای خدا ماندهائی می گیرند که با آنان پیوند دوستی بندند؛ آنها که ایمان دارند پیوند محبتشان به خدا شدیدتر و پایدارتر است؛ روزی می رسد که ستم پیشگان بت تراش بنگرند که همه نیروها از آن خداست همان که عذابش بس سخت است؛ آنگاه است که متبوعها از تابعها تبری جویند و عذاب را به چشم ببینند و هر گونه سبب و رابطه ای میان آنان قطع شود و تابعین آرزوی برگشت نمایند تا از متبوعهای خود تبری جویند اینگونه کارهایشان حسرتها و عذابها آورده هیچ از آن بیرون نیابند؛ مردم همگی باید از آنچه در زمین پاکیزه و حلال گشته بخورند و بهره مند شوند و پیروی از گامهای شیطان نکنند چه او دشمنی است آشکار؛ این همان شیطان است که به بدی و زشتی و می دارد تا آنجا که به خدا نسبت دهد آنچه خود نمی داند؛ چون به پیروان شیطان گفته شود که از آنچه خدا نازل فرموده پیروی کنید گویند از آنچه پدران ما بر آن بودند پیروی داریم با آنکه پدرانشان نه تعقل داشتند

و نه هدایت؛ داستان این چشم و گوش بستگان بی عقل، چون حیوانهائیاست که جز خواندنی و فریادی نمی شنوند.

آیه ۱۷۲ تا ۱۷۷

صفحه ۳۵۰

مؤمنان که فقط خدا را می پرستند باید از روزیهای پاکیزه برخوردار باشند و خدا را سپاس گذارند و بدانند که آنچه تحریم شده میته است و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا ذبح شده مگر آنکه مضطر شوند و تا حدی؛ آنها که احکام خدا را برای اندک بهره ای کتمان می کنند، در واقع با همه شکم آتش می خورند و خدا در روز رستاخیز با آنان سخنی نمی گوید و تزکیه شان نمی کند و عذابی بس دردناک دارند. اینها گمراهی را به عوض هدایت و عذاب را به عوض مغفرت می خردند و عذابشان بس توان فرسا است؛ چون خدا کتاب را به حق نازل کرده بر آنها که درباره کتاب اختلاف پیش می آورند خود در حال جدائی با دیگران به سر می برند؛ همه نیکی همین نیست که روی به مشرق آورید یا به سوی مغرب، نیکی و نیک فزائی را کسی دارد که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب و پیمبران ایمان آورده و مال را به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و برای آزادی گردنها بذل کند و نماز را بپا دارد و زکات دهد و به عهد وفا کند و در سختیها و زیانها و در میان کارزار بردبار باشد اینها مردان راستین و متقین هستند.

آیه ۱۷۸ تا ۱۸۵

صفحه ۳۵۹

این حکم قطعی است که چون قتلی پیش آید قصاص می باید، قاتل هر که و مقتول هر که باشد آزاد یا بنده، مرد یا زن، اگر همبستگی ایمانی و عاطفه برادری به عفو کشاند، باید دیه ای در حد عرف و احسان پرداخته شود این از جهت رحمت ربوبی است، مگر آنکه جنایت تکرار شود؛ قصاص به سود همه و خود منشأ حیات است؛ وصیت در هنگام مرگ واجب است برای والدین و خویشان و حقی است بر متقین؛ همین که وصیت ضبط و ثبت گردید، دیگری نباید آنرا تبدیل کند و اگر از وصیت کننده نظر ناروا و تجاوز به حقی احساس شد باید اصلاح شود؛ روزه واجبی سرنوشت شده است آن چنان که بر پیشینیان واجب بوده باید در روزهای شمرده و مشخصی انجام گیرد و اگر در آن روزها کسی بیمار و یا مسافر بود در روزهای دیگر انجام دهد و کسانی که توان آنرا ندارند فدیة دهند به اندازه سیر کردن بینوائی؛ و هر چه اطاعت بیشتر خیرش فزون تر می شود؛ و روزه داری خیر و منشأ خیر است؛ ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده که هدایت برای همه و مبین و فارق است؛ پس آنکه این ماه را دریابید باید در آن روزه بدارد مگر آنکه بیمار و یا مسافر باشد، باید به خواست خدا که سختی نخواسته، روزه ها را در آن روزها تکمیل کنید و خدا را به بزرگی یاد کنید و سپاسگزار شوید.

آیه ۱۸۶ تا ۱۸۹

صفحه ۳۷۳

آن بندگان جوینده که مرا جویند باید بدانند که من نزدیکم و به خواهان خود که همین من را خواهند روی اجابت می‌نمایم پس هر چه بیشتر فرمان پذیر و اجابت کننده من باشند و به من ایمان آرند تا بر شد گرایند؛ در شب روزه آمیزش با زن خود حلال شده چه آنها پوششند برای شما و شما برای آنان و اگر حلال نبود خود را دچار و خیانت می‌کردید، خدا از شما درگذشت و توبه شما را پذیرفت؛ پس با آنان در آمیزید و آنچه خدا سرنوشت کرده بجوید و بخورید و بیاشامید تا آنگاه که خط سپیده‌دم از سیاهی شب جدا و طالع شود؛ سپس روزه را تا آغاز تاریکی شب به پایان رسانید؛ و در هنگام اعتکاف در مساجد با زن در نیامیزید اینها حدود خداست که بیان شده به آن نزدیک نشوید تا شاید راه تقوا پیش گیرید؛ اموالی که باید در میان شما باشد به باطل نخورید و آنها را به سوی چاه حکام سرازیر نکنید تا قسمتی از اموال مردم را به ستم و گناه بخورید؛ از هلاکها می‌پرسند بگو برای تشخیص اوقات مردم و زمان حج است؛ نیکی آن نیست که از پشت وارد خانه شوید نیکی تقواست و باید از درها وارد خانه‌ها شوید شاید رستگار شوید.

آیه ۱۹۰ تا ۱۹۹

صفحه ۳۸۵

فرمان جهاد فی سبیل الله - در راه آزادی انسانها از قیود بندهای عادات و قوانین بشری و تشخیص و تحقق احکام الهی - جنگ با آنها که با مؤمنان به حق، سر جنگ دارند؛ مؤمنان در این جهاد مقدس نباید از حق تجاوز کنند چون خدا با تجاوزگران دوستی و همکاری ندارد؛ باید آنها را که فتنه جویند و سر جنگ دارند، در هر جا پایه گرفتند و در دسترس بودند کشت و بیرون راند همان سان که آنها مؤمنان را بیرون رانند؛ چه آشوبگری زیاده‌سخت‌تر از کشتار است و نباید در حریم مسجدالحرام دست به کشتار آنان گشود مگر آنکه آنها دست به کشتار مسلمانان گشایند پس باید آنها را کشت و همین پاداش کفرکیشان است؛ و اگر آنها از جنگ باز ایستند باید مسلمانان هم از جنگ و خشونت باز ایستند و صفات غفور و رحیم خدا را بنمایانند؛ تا آنجا مسلمانان در جنگ و کشتار پیش می‌روند که فتنه از میان برداشته شود و حاکمیت خدا و دین او پایه گیرد؛ این جنگ تنها در برابر ستمکاران است؛ کارزار شما در ماه حرام در برابر کارزار آنان در ماه حرام است و حرمتها و حریمها قصاص دارد پس هر که بر شما دست تجاوز گشاید شما هم قصاص کنید در حد تجاوز آنها و از خدا پروا بگیرید و بدانید که خدا یار متقین است؛ و اتفاق کنید در راه خدا و با خودداری از انفاق خود را به دست خود به هلاکت نیندازید و احسان کنید چه خدا دوستدار احسان کنندگان است؛ حج و عمره را برای خدا به کمال و تمام رسانید و اگر محصور شدید تا آنجا که بتوانید و امکان داشته باشید قربانی کنید و سرهای

خود را نتراشید تا قربانی شما به جانی که باید برسد و اگر کسی در این حال بیمار یا آزاری در سرش بود باید فدیة دهد - از روزه یا صدقه یا قربانی - و در حال امنیت و باز بودن راه حج، آنانکه به سبب عمره تا آغاز حج تمتع یابند، آنچه را از قربانی که توانند انجام دهند و آنها که قربانی نیابند باید سه روز روزه در ایام حج و هفت روز پس از بازگشت بدارد تا ده روز روزه کامل شود این حکم برای آنان است که خانه و وطن در مجدالحرام ندارند؛ حج در ماههای معین است و آنکه در این ماهها آهنگ حج نماید باید از آمیزش با زن و گناهکاری و ستیزگی برکنار شود و هر چه می‌تواند از خیر توشه بگیرد؛ و بهترین توشه‌ها تقوا است و خردمندان باید از خدا پروا گیرند و در حج هر چه می‌توانند فضل پروردگار را دریابند و همین که از عرفات کوچ نمودند در مشعرالحرام خدا را به یاد آرند همان سان که هدایت نموده، و پیش از آن گمراهی بود سپس باید یکباره و با هم از همانجا که همه کوچ می‌کنند کوچ کنند و آمرزش جویند.

آیه ۲۰۰ تا ۲۱۰

صفحة ۴۰۰

خداپرستان احرام بسته، همین که مناسب خود را انجام دادند باید با آگاهی خدا را به یاد آرند چونان که پدران خود را به یاد دارند و یا بیش از آن؛ در آن پیشگاه، برخی مردم از پروردگارشان همین بهره دنیا جویند و در آخرت بهره‌ای ندارند و گروهی بهره نیک دنیا و آخرت و صیانت از عذاب خواهند؛ اینها نصیبی از کار و فرآورده خود دارند و حساب کارشان را خدا می‌رسد؛ و باید خدا را در روزهای شمرده شده به یاد آرند و هر که در آن روزها پیشی گیرد و یا تأخیر کند گناهی بر وی نیست اگر در نگهداری حدود پروا گیرد و چشم به خدا و حشر به سوی او داشته باشد؛ بعضی مردمند که سخنانشان درباره دنیا شگفت‌انگیز و فریبنده است و خدا را گواه می‌آورد تا خلق باور کنند که اندیشه‌ای جز خیر و احسان ندارد، با آنکه کینه‌جو و دشمن خلق است و همین که زمامداری یافت کوششش همین است که در زمین فساد کند و کشت و نسل را از میان بردارد با آنکه خدا فساد را دوست ندارد، چون این طاعی ستم‌پیشه به چیزی جز بسط قدرت خود نمی‌اندیشد؛ و چون کسی بخواهد پندش دهد و از خدا و عاقبت کارش بیمناکش کند، بر طغیانش افزوده می‌شود. همین دوزخی که برایش فراهم شده و به سوی آن پیش می‌رود او را بس؛ در مقابل آن طاعی، مردمی هستند که جان خود را در برابر خرید خشنودی خدا می‌فروشند. اینها نمودار و مجرای رأفت خداوند و خدا به بندگان رؤف است؛ گروندگان به حق باید آگاهانه به محیط سلم و سلامتی درآیند و از گامهای شیطان که رویش نهان و دشمنیش آشکار است پیروی نکنند و اگر پس از آمدن و دریافت بینات لغزیدند خدای عزیز و حکیم در نمی‌گذرد؛ پس از این آیات روشنگر، دیگر چه انتظار دارند؟ جز

آنکه کار جهان به پایان رسد و امر خدا در سایه‌ای از ابرها و غبار طبیعت، روی آرد و همچنین فرشتگان و همه به سوی او باز گردد.

آیه ۲۱۱ تا ۲۱۶

صفحه ۴۱۲

از بنی اسرائیل باید پرسش شود که چه آیات روشنگری به آنان داده شد؟ و ناسپاسی نمودند و آیات را دگرگون ساختند و هر که چنین نماید دچار عذابی شدید می‌شود؛ برای آنان که روی از حق گردانده و کافر شدند، زندگی دنیا آرایش یافته و همی مسخره کنند به آنان که ایمان آورده‌اند، و کسانی که تقوا گزینند در روز قیامت برتری دارند و خدا به حسب مشیت خود هر که را خواهد بی حساب روزی دهد؛ مردم امت یگانه بودند پس از آن خداوند پیمبران را با ابشار و انذار برانگیخت و با آنان کتاب را به حق نازل فرمود تا در میان مردم حکومت کند درباره آنچه اختلاف نمودند؛ اختلاف را همانها پیش آوردند که کتاب و بینات به آنان داده شد، منشأ این اختلاف ستیزگری بود که در میان خویش آوردند، پس از آن خداوند به اذن خود، مؤمنین به حق را رهبری فرمود، مشیت خدا چنین است که هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌نماید؛ گمانی ناهجا است که به بهشت درآید با آنکه داستان هراس‌انگیز پیشینیان برای شما پیش نیامده؛ همانها که آنچنان سختی و زیان به آنها رسید و متزلزل شدند که پیمبر و مؤمنان به او، گفتند کی یاری خدا می‌رسد؟! آگاه باشید که یاری خدا بس نزدیک است؛ می‌پرسند که چه باید اتفاق کنند؟ بگو هر چه و از خیری اتفاق کنید برای پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است و هر چه اتفاق کنید خدا می‌داند؛ جهاد بر شما سرنوشت شده است با آنکه خوش آیند شما نیست چه بسا چیزی را خوش ندارید با آنکه برای شما خیر است و چه بسا چیزی را خوش دارید و آن برای شما شر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

آیه ۲۱۷ تا ۲۲۳

صفحه ۴۲۵

جنگ در ماه حرام گناهی بزرگ و بازداشت از راه خدا و کفر به آن و به مسجدالحرام است و اخراج اهل مسجدالحرام از گناهی بزرگتر است در پیشگاه خدا و گناه فتنه بزرگتر است از کشتار؛ و آنها با شما پیوسته می‌جنگند تا هر چه توانند شما را از دینتان برگردانند. و از شما هر که از دین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، اعمالش در دنیا و آخرت نابود می‌شود و همینها همراه آتش و در آن جاودانند؛ آنهایی چشم‌امید به رحمت خدا دارند که ایمان آورده‌اند و همانها که هجرت گزیدند و در راه خدا جهاد نمودند؛ درباره شراب و قمار بگو در آن دو، گناهی بزرگ است و سودهای پراکنده‌ای دارد و گناه آن دو، از سودشان بس بزرگتر می‌باشد؛ درباره آنچه باید اتفاق کنند؟ بگو گذشت را، اینگونه خدا آیاتش را تبیین می‌نماید تا شاید بیاندشید، چه در امور دنیا و چه آخرت؛ درباره یتیمان بگو بهتر همان که به اصلاحشان کوشید و اگر آنان را با

زندگی خود در آمیختن برادران شما و خدا مفسد را از مصلح باز می‌شناسد و اگر خواهد شما را درباره مسئولیت یتیمان دچار دشواری می‌کند چون همان خدا عزیز و حکیم است؛ زنان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند به همسریشان نگیرید چه یک کنیز، بهتر و برتر است از زن مشرک گر چه فریفته آن شوید؛ به مرد مشرک هم زن ندهید تا ایمان آورد چه یک بنده مؤمن برتر است از مشرک گر چه فریفته‌اش شوید؛ مشرکان به سوی آتش می‌خوانند و خدا به سوی بهشت و آمرزش و آیات خود را برای مردم تبیین می‌نماید تا شاید آگاهی یابند؛ درباره حیض بگو آزاری است پس در حال حیض از زنان کناره گیرید و به آنها نزدیک نشوید تا پاک شوند و چون پاک شدند آن سان که خدا دستور داده به آنان روی آرید خدا توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد؛ زنان شما برای شما کشتزارند به کشتزار خود روی آرید آنگونه که خواهید و برای خود پیش فرستید و از خدا پروا یابید و بدانید که او را ملاقات کننده‌اید و مؤمنان را بشارت است.

آیه ۵۲۲۴ تا ۲۲۲

صفحه ۴۴۴

نباید خدا را در معرض سوگندهای خود قرار دهید به جای آنکه نیکی و تقوا و اصلاح میان مردم را پیش گیرید و به خدای بس شکو و دانا آگاه باشید؛ خدا به سوگندهای لغو شما را بازخواست نمی‌کند خدا به آنچه دل‌های شما کسب کرده بازخواست می‌کند خدا آمرزنده و بردبار است؛ به آنها که سوگند می‌آورند تا از همان خود کناره‌گیری کنند، مهلت چهار ماهه است پس از آن اگر باز آیند که خدا در گذشته‌های مهربان است و اگر عزم طلاق نمودند، خدا شنوای دانا است؛ زنان طلاق داده شده، خود را در مدت سه پاکی نگه می‌دارند و روا نیست که آنچه در رحم‌هایشان آفریده شده مکثوم دارند. در این مدت اگر قصد اصلاح داشته باشند شوهرانشان سزاوارترند که آنان را به خود باز گردانند؛ و برای زنان حق شناخته شده‌ای است به سان آنچه بر آنان است و مردان را بر آنها یک گونه برتری است و خداست عزتمند حکیم؛ آن طلاق دوبار است پس از آن یا نگهداری با حق شناخته، و یارهایی با نیکی؛ و روا نیست که از آنچه به آنان داده‌اید چیزی را بازگیرید مگر آنکه برسید از اینکه حدود خدا را بپا ندارید در این صورت گناهی نیست درباره آنچه زن برای رهایی خود فدیة دهد، این حدود خداست که نباید از آن تجاوز کنید و آنها که از حدود خدا تجاوز کنند ستمکارانند؛ و اگر بار سوم آن زن را طلاق داد دیگر بر آن مرد حلال نیست، مگر آنکه آن زن شوهر دیگری گیرد، پس اگر شوهر دوم او را طلاق داد، گناهی بر آنان نیست که به هم باز گردند اگر گمان دارند که حدود خدا را بپای دارند، این حدود خداست که برای دانشگرایان تبیین می‌نماید؛ و چون زنان خود را رها کردند و مدتشان سر رسید یا با حق شناخته نگاهشان دارید یا بکر ره‌اشان کنید و آنها را به

منظور زیان رساندن و تعدی به حقشان نگه ندارید و هر که چنین کند به خود ستم روا داشته؛ و آیات خدا را به بازی نگیرید و نعمت خدا را به یاد آرید و همچنین آنچه از کتاب و حکمت، که شما را پند می‌دهد، برای شما فرو فرستاده و از خدا پروا گیرید و بدانید که او بر هر چه داناست؛ چون زنان را طلاق دادید و مدتشان سر آمد، آنها را سخت نگیرید و بازشان ندارید از اینکه به شوهری گیرند آن شوهرانی را که گزیده‌اند در صورتی که با حق شناخته، در میان خود رضایت دهند، این پند را کسانی پذیرا شوند که به خدا و روز آخرت ایمان آورند؛ انجام این احکام، برای شما برومندی و پاکیزگی بیشتر آورد چه خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

صفحه ۴۶۱

آیه ۲۳۳ تا ۲۴۲

مادران، نوزادان خود را دو سال کامل شیر می‌دهند اگر بخواهند شیر را تکمیل کنند و بر عهده پدران است روزی و پوشاک زنان شیرده - در حد متعارف و توانائی؛ و نباید به مادر و پدری به سبب فرزندانشان زیان رسد؛ وارث نیز عهده‌دار همین مسئولیت می‌باشد؛ اگر پدر و مادر خواستند طفل را پیش از پایان دو سال از شیر بار گیرند گناهی بر آنان نیست در صورتی که با رضایت آن دو و مشورت باشد؛ و اگر خواستند برای فرزندان خود دایه گیرند باکی نیست آنگاه که آنچه باید به دایه دهند به نیکی دهند و باید از خدا پروا گیرند و خدا را ناظری بصیر بر کارهای خود دانند؛ زنهایی که شوهرانشان وفات کنند، چهار ماه و ده روز درنگ می‌نمایند و پس از پایان این مدت، در سرنوشت خود آزادند در حد حق شناخته؛ و در این مدت گناهی نیست که با کنایه از آنان خواستگاری نمائید یا پوشیده دارید و نباید مواعده پنهانی با آنها داشته باشید مگر با سخنی پسندیده؛ و عزم به عقد نکاح نکنید تا آن مدت به پایان رسد و این را بدانید که خدا انگیزه‌ها و اندیشه‌های درونی شما را می‌داند و خدا آمرزنده و بردبار است؛ گناهی نیست در اینکه زنهای عقد شده را پیش از آمیزش یا مهر مشخص، طلاق دهید و به آنان بهره‌ای دهید به اندازه توانائی و حق شناخته و این بر نیکوکاران فرض است؛ و اگر طلاق دادید پیش از آمیزش در صورتی که مهر معینی فرض کرده باشید، باید نصف آنرا بدهید مگر آنکه زنهای خود چشم‌پوشند و یا آنها که عقد نکاح به دستشان است؛ چشم‌پوشی، به تقوا نزدیکتر است و نباید نیکی و نیکوکاری در میان خود را از یاد ببرید و خدا به آنچه می‌کنید بینا است؛ نگهدار و نگهدار نگاهبان نماز باشید به خصوص نماز وسطی و فروتنانه، برای خدا قیام کنید و اگر در حال ترس بودید نماز را پیاده و یا سواره انجام دهید و چون امنیت یابید، آن گونه که خدا به شما آموخته و خود نمی‌دانستید، خدا را به یاد آرید؛ مردانی که در حال مرگند و همسرانی دارند، سزد که وصیت نمایند برای آنها بهره‌ای را تا یکسال و اینکه بیرون رانده نشوند و اگر خود بیرون رفتند بر شما مسئولیتی نیست و آزادند در آنچه درباره خود کنند در حد

حقوق شناخته شده و خدا عزیز حکیم است؛ برای زنان طلاق داده شده بهره‌ای می‌باید، حقی در حق متعارف بر متقین است اینگونه خدا ایات خود را تبیین می‌نماید تا شاید خردجو شوید.

آیة ۲۴۴ تا ۲۵۲

صفحة ۴۷۶

به کسانی بنگرید که از دیارشان بیرون رفتند، از ترس مرگ و آنها هزارها بودند. یس خدا به آنان فرمان مرگ داد سپس زنده‌شان کرد چه خداوند را فضلی بر مردم است، گر چه بیشتر مردم ساسگزار نیستند؛ برای پیشبرد دین خدا جهاد کنید و بدانید که خدا شنوا و دانای به سخنان پنهان و آشکار و انگیزه‌های درونی شما است؛ آنها که سرمایه‌های مادی و معنوی خود را در راه خدا می‌دهند، در واقع به خدا قرض می‌دهند که پس از آن آن را چندین برابر می‌افزاید و باز می‌گرداند و خداوند همی قبض می‌کند و بسط می‌دهد و کمال می‌بخشد و به سوی او بازگردانده می‌شوند؛ به سران بنی‌اسرائیل پس از موسی باید نگرست که از پیمبرشان درخواست پادشاهی نمودند ما به زمامداری وی در راه خدا بجننگند، چون آن پیمبر در آمادگی آنان برای کارزار تردید نمود، گفتند با آنکه هستی ما از میان رفته و از دیار و فرزندانمان رانده شده‌ایم چرا نجنگیم؟ ولی همین که هنگام کارزار رسید جز اندکی همه روی گرداندند، چون در میان خود ستم‌پیشه بودند و خدا به اندیشه و عاقبت کار ستمکاران آگاه است؛ پیمبرشان گفت: که خدا طالوت را به شاهی برای شما برانگیخته، گفتند چگونه او را بر ما شاهی باشد؟ با آنکه ما نایسته‌تریم به آن و او را مال وافر نیست، آن پیمبر گفت که خدا وی را گزیده و افزوده است او را در علم و جسم و خدا بر طبق مشیت حکیمانه‌اش، فرمانروائی به هر که خواهد می‌دهد چون علمش فراگیرنده و نافذ است؛ پیمبرشان گفت که نشانه فرمانروائی طالوت این است که تابوت به شما برمی‌گردد که در آن آرامشی است از پروردگار شما و به جا مانده‌ای از آنچه آل موسی و آل هارون واگذارند، آن را فرشتگان حمل می‌کنند این آیه، برای کسانی از شما می‌باشد که ایمان دارند؛ پس همین که طالوت سپاهیان را از میان مردم جدا کرد و همراه خود بسیج نمود، گفت: می‌آزماید شما را خدا به جویی، پس کسانی که یکسر از آن بیاشامند از من نیستند و آنها که هیچ از آن نچشند از من می‌باشند و آنها که از آن کفی آب نوشند از هر دو گروه جدایند. پس جز اندکی از آنان، همه از آن جوی آشامیدند، و همین که طالوت و کسانی که با او ثابت ماندند از نهر گذشتند و با دشمن روبرو شدند گفتند امروز ما را توان جنگ با جالوت و سپاهانش نیست، و آنها که گمان داشتند که خدا را ملاقات کننده‌اند، گفتند: چه بسا گروه اندکی که به اذن خدا بر گروه بسیاری چیره می‌شود و خدا با شکیبایان است و همین که روبرو شدند با جالوت و سپاهانش، گفتند: پروردگار ما! لبزیز کن بر ما شکیبائی را و ثابت بدار قدمهای ما را و یاری و پیروزی ده ما را بر کافران پس شکست دادند سپاهیان جالوت را و

داود جالوت را کشت و خداوند به وی فرمانروائی و حکمت و دیگر فضیلتها داد. و اگر این قانون نبود

که خدا مردمی را، با برانگیختن مردم دیگر دفع می‌کند، زمین را فساد می‌گرفت ولی او خداوند فضل است که فضلش را بر جهانیان می‌گستراند. این آیات خدا است که بر تو ای پیمبر همی خوانیم و گواه این حقیقت است که از فرستادگان خدائی.

آیه ۲۵۳ تا ۲۶۰

صفحه ۵۰۲

این پیمبران عالیقدرند که خداوند بعضی را بر بعضی دیگر برتری داد با بعضی خدا سخن گفته و در جات بعضی را بالا برده و به عیسی بن مریم بینات داده و او را به وسیله روح القدس تأیید کرده؛ با همه اینها آنها که پس از این پیمبران بودند با آن بینات، نیاستی به جنگ و ستیزه در آیند ولی خدا نخواست و مختلف شدند، بعضی ایمان آوردند و بعضی به کفر گرائیدند، این مشیت حکیمانه و جاری خدا است و بر طبق آن، آنچه خواهد می‌کند؛ آنها که ایمان آورده‌اند باید از آنچه روزی داده شده‌اند انفاق کنند، پیش از آنکه روزی رسد که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی صمیمانه‌ای و نه شفاعتی است و کفرپیشگان همان ستمکارانند؛ خدا، همان خداوندی که جز او خدائی نیست، پس زنده و بایدار و نگهدار است، او را نه پینکی می‌گردد و نه خواب، برای او است آنچه در آسمان‌ها و زمین است؛ کیست آنکه در پیشگاهش شفاعت کند مگر به اذنش. می‌داند آنچه در پیش دارند و آنچه پشت سرشان است؛ احاطه نمی‌یابند به چیزی از علمش مگر به آنچه خود خواهد؛ فراگرفته است کرمی فرمانش آسمانها و زمین را، و خسته نمی‌کند او را نگهداری آنها و او برترین و عظیم است؛ هیچ اکراهی در دین نیست؛ رشد از گمراهی بس جدا و آشکارا گشته؛ پس آنکه به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آرد به دست آویز استوارتری آویخته که گسیخته نشود، همان خدای بس شگوا و دانا؛ خدا سرپرست و کارگذار کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را همی از تاریکیها به سوی نور می‌برد؛ و کارگزاران آنها که به کفر گرائیدند طاغوت است که از نور به سوی تاریکیها می‌برد و همینها یاران آتشند و در آن جاودان؛ به منطق طاغوتی بنگرید که با ابراهیم درباره پروردگارش احتجاج نمود از این رو - که در زمینه علل اجتماعی - خدا به وی ملکی داده بود، ابراهیم گفت: پروردگار من همان است که همی زنده می‌کند و می‌میراند، او گفت من هم زنده می‌کنم و می‌میرانم ابراهیم گفت: خداوند آفتاب را از مشرق بر می‌آورد. پس تو از مغرب برآور. پس آن کافر کیش بهت زده شد! چه خداوند مردم ستمکار را رهبری نمی‌کند؛ یا چون کسی که بر دهکده‌ای گذشت که یکسر ویران و تهی شده بود، گفت: چگونه و کی این را خدا زنده می‌کند، پس از چنین مرگی؟ پس خدا او را صد سال میراند. سپس برانگیخت و به او گفت: چندی درنگ یافته؟

او گفت: روزی یا به بعضی روزی. گفت: نه، بلکه صد سال درنگ نمودی

پس بنگر به خوراک و آب که دگرگون نگشته! و بنگر به الاغت! و تو را نشانه‌ای برای مردم می‌گردانیم؛ و بنگر به آن استخوانها که چگونه آنها را بر می‌آوریم و پیوند می‌دهیم پس آن را به گوشت می‌پوشانیم. پس همین که برایش تبیین شد، گفت می‌دانم که خدا بر هر چیزی توانا است؛ و آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا به من نشان ده که چگونه زنده می‌کنی مردگان را. پروردگارش به او گفت: مگر ایمان نیاوردی؟! گفت آری! ولی می‌خواهم قلمی مطمئن شود. گفت

برگیر چهار گوسفند پرنده را، سپس آنها را به سوی خود متمایل و آموخته ساز، آنگاه از هر یک از آنان جزئی را بالای کوهی قرار ده، سپس آنها را به سوی خود بخوان! تا بنگری که شتابان به سوی تو می‌روند و بدان که خدا عزیز حکیم است.

آیه ۲۶۱ تا ۲۷۴

صفحه ۵۳۴

نمودار آنان که اتفاق می‌کنند در راه خدا، بدان دانه‌ای است که هفت سنبل برویاند و در هر سنبل صد دانه باشد. و خدا برای آنکه بخواهد همی می‌افزاید چه خدا را قدرتی فراگیرنده و او بس داناست آنها که اموال خود را در راه خدا اتفاق کنند و در پی آن منت و آزاری نیاورند، پاداشی که از آن خودشان می‌باشد، نزد پروردگارشان دارند و دیگر نه ترس دارند و نه اندوهگین می‌شوند؛ گفتاری نیکو و چشم‌پوشی، بهتر از صدقه‌ای است که در پی آن آزاری باشد چه خدا بی‌نیاز بردبار است؛ آنها که ایمان آگاهانه دارند، نباید صدقه‌های خود را به سبب منت و آزار باطل کنند و مانند کسانی باشند که مال خود را با ریاکاری می‌دهند و ایمان به خدا و آخرت ندارند؛ داستان این گونه مردم مانند سنگ صاف و لغزانی است که بر آن اندک خاکی باشد و باران تندی بر آن زند و سخت و خشک به جای ماند، اینها از آنچه کسب کرده‌اند چیزی دریافت نمی‌دارند و خدا کافران را هدایت نمی‌کند؛ و داستان کسانی که اموالشان را برای دریافت خشنودی خدا و استواری نفوس خود اتفاق می‌کنند، همانند باغی می‌باشد که در پشته‌ای باشد و باران تندی به آن رسد که بهره‌اش را چند برابر برویاند و اگر باران تندی آن را نرسد همان شبنم آن را بس است چه خدا به آنچه می‌کسب بس بینا است؛ آیا کسی دوست می‌دارد که برایش باغی باشد با میوه‌های گوناگون که جویها در آن جاری باشد و خود به دوران بیری و ناتوانی رسد و فرزندان ناتوانی داشته باشد و ناگاه گردباد سوزانی آن باغ را بزند و بوزاند؟! اینگونه خدا آیات خود را برای شما تبیین می‌نماید تا شاید بیاندیشید؛ کسانی که آگاهانه ایمان دارند باید اتفاق کنند، از پاکیزه‌های آنچه کسب کرده و آنچه از زمین برآورده شده است و نباید برای اتفاق از چیزهای پست و بی‌ارزش گزینند که خود با چشم‌پوشی آن را

می‌پذیرند و بدانند که خدا بس بی‌نیاز بردبار است؛ آنکه هنگام انفاق، از بینوایی بیم می‌دهد و به فحشاء و می‌دارد، همان شیطان است؛ و خدا نوید مغفرت و فضل خود را می‌دهد و خدا فضلش واسع و خود دانا است؛ حکمت را به هر که خواهد می‌دهد و هر که حکمت را یابد خیر بسیاری دریافته و جز اندیشمندان، آگاه نمی‌شوند؛ و آنچه انفاق و یا نذر کنید خدا آن را می‌داند و آنها که امساک کنند و یا به ریا و مودیانۀ انفاق نمایند ستمکارانند و ستمکاران یآوری ندارند؛ اگر صدقات آشکارا داده شود نیک است و اگر نهانی به بینوایان داده شود بهتر است و گناهکاران را می‌زداید چه خدا به آنچه عمل کنند بس آگاه است؛ آنچه بر پیمبر است رهنمائی مردم است نه راهیابی آنان، آن خدا است که هر که خواهد راهیاب می‌نماید؛ پس از انفاق به هر مستحقّی نباید دریغ شود، چه هر چیزی که انفاق شود به سود خود انفاق کننده است که پی‌جوی خوشنودی خدا می‌باشد و به صورت کاملتری به وی یاز می‌گردد و کم و کاستی ندارد؛ صدقه‌ها و انفاقها از آن بینوایانی است که در راه خدا محصور شده و توان کوشش برای روزی ندارند همان مردمی که چنان ملّحت و خوددارند که ناشناس آنها را بی‌نیاز می‌پندارند و از چهره‌شان می‌توان آنها را تشخیص و با سماجت از مردم درخواست نمی‌نمایند، و هر چیزی در این راه انفاق کنند خدا به آن بس دانا است؛ آنها که اموال خود را در شب و روز و نهان و آشکارا انفاق کنند پاداششان در پیشگاه پروردگارشان است و ترس و اندوه ندارند.

آیه ۲۸۴ تا ۲۸۵

صفحه ۵۵۶

آنها که به جای انفاق به خلق، ربا می‌خورند بی‌نیازی نمی‌بینند مگر مانند کسی که تماس شیطانی وی را به آشفته‌گی دچار ساخته، این آشفته‌گی روحی از آن جهت است که بیع مشروع را مانند ربا می‌پندارند با آنکه خدا آن را حلال و این را حرام نموده پس آن رباخواران که فرمان پندآمیز خدا را دریافته و از رباخواران بازایستند، گذشته از آن آنها و کارشان با خدا است و آنها که به رباخواری بازگردند همان یاران آتش و در آن جاودانند؛ خدا ربا را رو به تاریکی و نیستی می‌برد و همی افزایش صدقات را، چه خدا هیچ ناسپاسگر تبهکار را دوست نمی‌دارد؛ آنها که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند و نماز را بپا دارند و زکات دهند، پاداش خود را نزد پروردگارشان دارند و دیگر نه ترسی بر آنها است و نه اندوهگین می‌شوند؛ آنها که ایمان آورده‌اند باید از خدا پروا گیرند و بازمانده از اموال ربوی را واگذارند اگر ایمانشان پایه‌ای دارد. و اگر ربا را وانگذارند باید آماده باش دهند، به کارزاری که از سوی خدا و پیمبرش آغاز شده و اگر توبه کنند برای آنها است سرمایه‌هاشان که نه ستم کنند و نه ستم شوند؛ و اگر بدهکار در تنگی باشد مهلتی باید تا گشایشی یابد و اگر آن وام را صدقه محسوب دارند بهتر است اگر این را دریابند؛ باید پروا یابید از روزی که در آن به سوی خدا رجوع داده شوید و باز یابد هر کسی

آنچه را فراهم ساخته و هیچ ستم نشوند؛ گروه مؤمنین، چون در میان خود به وامی داد و ستد کنند که مدت معینی داشته باشد باید بنویسند و ثبت کنند و در میان آنان نویسنده‌ای باشد که به عدل ثبت نماید و نباید کاتب از این مسئولیت سر باز زند و باید بر طبق احکام خدا بنویسد و بدهکار املاء نماید و کم و کاستی نکند و اگر بدهکار سفیه یا ناتوان در اندیشه و یا املاء باشد، ولی او باید املاء کند و باید در ثبت و املاء، دو گواه از مردان مؤمن آورند و اگر نبود، یک مرد و دو زن که به آنها رضایت دهند تا اگر یکی از دو زن شاهد از شهادت به حق منحرف شد و یا از یادش رفت دیگری به یاد آورد. و گواهان نباید از گواهی سر باز زنند و نباید در نوشتن کم و بیش را نادیده گیرند. اینگونه ثبت و گواهی، دادگرا نه و پایدارتر و بیشتر مانع شک و بدبینی در میان مجتمع ایمانی می‌باشد؛ و اگر داد و ستدی نقد و دست به دست در میان بود ثبت نکردنش باکی نیست. و چون داد و ستدی ارزشمند باشد گواه داشته باشید؛ و نباید به کاتب و شاهد، رنج و زبانی رسد که این موجب نابسامانی و بیرون رفتن از حدود است؛ و از خدا پروا بگیرید و همان او است که شما را می‌آموزد و به هر چیزی بس دانا است؛ و اگر در سفر بودید که کاتبی نیافتید، در برابر دام گروگان دریافت دارید. و اگر به امانت دریافتید آن را در زمانی بازگردانید و از خدا پروا داشت باشید و گواهی را کتمان نکنید که این کتمان، از گناهکاری قلب است و خدا به هر چه می‌کند آگاه است؛ برای خدا است آنچه در آسمانها و زمین است چه آشکارا کنید آنچه در درون نفوس خود دارید و یا پنهان نگه دارید، آن را به حساب می‌آورد و بازخواست می‌کند پس آن را که خواهد می‌آمزد و آن را که خواهد عذاب می‌کند و بر هر چیزی توانا است.

آیه ۲۸۵ و ۲۸۶

صفحه ۵۸۲

پیمبر به آنچه به او از جانب پروردگارش نازل شده خود ایمان آورده و همچنین همه مؤمنان، به خدا و فرشتگان او و کتابهای او و پیمبران او ایمان آورده‌اند و به زبان ایمانی گویند: ما در میان هیچیک از پیمبران خدا جدائی نمی‌اندیشیم و شنیدیم و فرمانبریم، پروردگارا! آموزش تو را می‌جوئیم و به سوی تو است بازگشت نهانی؛ تکلیف نمی‌کند خداوند کسی را مگر به اندازه توانایش؛ برای اوست آنچه از خیر و نیکی کسب کرده و بر اوست آنچه از شر و بدی فراهم کرده؛ پروردگار ما! مواخذه نکن ما را به آنچه از یادمان رفته و یا به خطا انجام داده‌ایم و بر ما حمل مکن تعهدات و تکالیف سنگین را، آن سان که به پیشینیان حمل کردی؛ پروردگار ما! و تحمیل مکن به ما آنچه را که توان آن را نداریم؛ بگذر از ما و بیمارز ما را و رحم آر به ما. تویی سرپرست ما پس یاری ده ما را بر گروه کفرکیشان.